

سیاست‌زدگی اقتصاد ایران

وقتی جلد اول کتاب «اقتصاد سیاسی مناقشه‌اتمی ایران»، در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ به صورت دیجیتال و از طریق تارنمای رسمی دکتر محسن رنایی - که پیش از این، تألیف و انتشار دو کتاب «بازار یا نابازار؟» و «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» را در کارنامه خود دارد - منتشر شد و نویسنده در حوزه «اقتصاد سیاسی» یکی از مهم‌ترین تحولات اقتصادی قرن جاری، یعنی تغییر الگوی انرژی جهانی، را از نگاه اقتصاد سیاسی تحلیل کرد و گزارشی نگران‌کننده از پیش‌بینی آینده نفت و تفسیر متفاوتی از مناقشه‌اتمی ایران و نقش غرب در آن ارائه داد؛ کمتر کسی باور داشت که بتوان با علم اقتصاد به پیش‌بینی اقتصاد سیاسی عصر حاضر پرداخت. نویسنده در مقدمه جلد اول کتاب آورده است: «تدوین اولیه این کتاب هشت سال پیش از انتشار نسخه الکترونیکی آن (یعنی در سال ۱۳۸۴) آغاز شده و بسط‌ها و بازنویسی‌های آن در زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶ انجام شده است. آنگاه یک‌بار دیگر در بهار و تابستان ۱۳۸۷ اطلاعات آن به‌نگام‌سازی شده و سرانجام متن نهایی آن در مهر ۱۳۸۷ «فقط» برای چند نفر از مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران ارسال شده است. مطالعه این کتاب و پیش‌بینی‌های صورت گرفته در آن زمان و طبیعتاً تحقق بخش قابل ملاحظه‌ای از این پیش‌بینی‌ها بگونه‌ای که نویسنده در نشست نقد و بررسی این کتاب در مورد آن می‌گوید: «آنگاه که این کتاب را تدوین می‌کردم آگاهانه پیش‌بینی‌هایم را با اندکی نمک بدبینی همراه می‌کردم. هدفم این بود که این نگرانی‌های بدبینانه را به مقامات کشور منتقل کنم، تا شاید به فکر بازبینی در چیدمان اولویت‌های ملی بيفتند. اما اکنون که به آن پیش‌بینی‌ها می‌نگرم درمی‌یابم که بسیار محافظه‌کارانه‌اند. یعنی نه‌تنها برخی از پیش‌بینی‌های جسورانه آن - که برای یک افق ۲۰ ساله بوده - هم اکنون محقق شده است بلکه حتی در برخی حوزه‌ها پیش‌بینی من از واقعیت عقب مانده است».

من این کتاب را برای دلم و به امید کمک به بهروزی ملت‌م نوشتم و به امید اثر گذاری بر سیاست‌های جاری ایران در حوزه مناقشه‌اتمی، آن را فقط برای برخی مقامات کشورم فرستادم و «پنج سال» صبر کردم. اکنون که دریافتم پافشاری بر تداوم مسیر گذشته همچنان پای برجاست و هنگامی که دریافتیم پیش‌بینی‌های به‌ظاهر جسورانه من در این کتاب، بسیار محافظه‌کارانه‌تر از تحولات دنیای واقع بوده است و فرصت‌های ما با سرعت بیشتری رو به پایان است، تصمیم به انتشار عمومی آن گرفتیم». او علت این تصمیم را چنین بیان داشته است: «امروز اقتصاد ما هیچ راه‌حل اقتصادی ندارد. اقتصاد ما در بن‌بست سیاست به دام افتاده است و سیاست ما نیز در دام مناقشه‌اتمی زمین گیر شده است، سیاست‌زدگی اقتصاد شاید مهم‌ترین وازهای باشد که در سال‌های اخیر گریبان اقتصاد و صنعت کشور را گرفته و شاید به‌نوعی بتوان رکود بی‌سابقه سال‌های اخیر و کاهش چشمگیر تولید و سرمایه‌گذاری‌های جدید صنعتی را زائیده این سیاست‌زدگی دانست.

تحلیل اقتصاد کشورهای مختلف جهان در دهه‌های گذشته با متره سیاسی، بیانگر این واقعیت است که اقتصاد کشورها، همواره تحت تأثیر سیاست‌های آنها بوده است و به‌نوعی سیاست‌ها در خدمت توسعه اقتصادی بوده‌اند در حالی که متأسفانه در کشور ما اقتصاد در خدمت سیاست بوده و از اثرات منفی آن متأثر شده است با توجه به مباحث مطروحه در حوزه «سیاست‌زدگی اقتصاد» بی‌مناسبت ندیدیم یادداشت آغازین این شماره را اختصاص دهیم به گزیده‌ای از دیدگاه‌های استاد تمام اقتصاد دانشگاه اصفهان در نامه ۲۵ صفحه‌ای خود درباره پیامدهای اقتصادی انتخابات اسفند ۹۴ که خطاب به شورای نگهبان نگارش، اختصاص دهیم که در این نامه باز هم بر اقتصاد سیاست‌زده کشور تأکید شده و آینده نظام سیاسی و حتی آینده ملت ایران را منوط به تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر دموکراسی و عقلانیت و تأمین فضای امن و آرام برای اقتصاد کشور دانسته است، وی در بخشی از این نامه می‌گوید: «به گمان من این انتخابات تعیین می‌کند که روند آینده تحولات سیاسی در جمهوری اسلامی چگونه باشد و آیا ساختار نظام سیاسی ما همچون گذشته با فراز و نشیب‌هایی، در یک روند تکاملی به سوی دموکراسی کامل‌تر ادامه می‌یابد یا به مسیری کاملاً غیردموکراتیک درمی‌غلطد؟ زانی در این نامه با اشاره به لزوم مشارکت همه جناح‌ها و تفکرات سیاسی درون نظام در فرآیند دموکراتیک اداره کشور و توجه به خواست مردمی در تعیین مثنی سیاسی آینده کشور هرگونه حذف و انحصارگرایی را موجب تیره شدن فضای عمومی کسب‌وکار و تیره شدن افق اقتصاد دانسته است که نتیجه‌ای جز تعمیق رکود و ورشکستگی گسترده‌نگاه‌ها نخواهد داشت که در نهایت دولت روحانی را بر زمین ناکامی خواهد افکند و فرصت تداوم یک دولت معتدل اصلاح‌گرای عقلانی را در دوره‌های بعدی می‌گیرد و هم نظام سیاسی را وارد دوره‌ای از فرایندها و تحولات غیردموکراتیک می‌کند که مسیری متفاوت از روند ۲۷ سال گذشته را در پیش پای نظام سیاسی ایران خواهد گذارد.

نویسنده کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» در این نامه با اشاره به «عدم اطمینان» در فضای کسب‌وکار، که آن هم عمدتاً ناشی از ابرام در فضای سیاسی است می‌نویسد: اقتصاد ما اکنون با کمبود سرمایه روبه‌رو نیست، بلکه تقریباً چهاربرابر نیاز جامعه امروز، سرمایه‌گذاری کرده است. وقتی واحدهای تولیدی مستقر در شهرک‌های صنعتی کشور اکنون به طور متوسط با حدود ۲۵ درصد ظرفیت خود مشغول به کارند، به این معنی است که اگر شرایط کشور مناسب باشد این واحدها قادرند تا چهار برابر میزان کنونی، تولید کنند. به همین ترتیب از نظر نیروی انسانی، کمبودی نداریم که هم اکنون چندین برابر نیاز بخش تولید، فارغ التحصیل دانشگاهی بیکار داریم. بنابراین از نظر منابع اصلی تولیدی ما اکنون با کمبودی روبه‌رو نیستیم. کمبودهای اصلی بخش تولید و اقتصاد ما اکنون کمبود ثبات، کمبود اعتماد و کمبود افق است و این‌ها همان منابعی هستند که در فضای سیاسی و بر اساس رفتار باز-بگرا سیاسی شکل می‌گیرند». استاد اقتصاد سیاسی توسعه، در این نامه مفصل به فقهای شورای نگهبان چنین نتیجه گرفته است: «بی‌پرده بگویم: این انتخابات باید پیام روشنی به حوزه اقتصاد مخابره کند دل بر این که راهی که نظام در انتخابات ۹۲ آغاز کرده است یعنی حرکت به سوی همزیستی و تفاهم با جهان از یک سو و پذیرش مشارکت جناح‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی در درون نظام تدبیر از سوی دیگر، راهی است که برآمده از یک راهبرد بلندمدت و اجماع درونی نظام است و همچنان ادامه خواهد داشت و سیستم پس از یک دوره حرکت به سوی عوام‌زدگی، هیجان‌بیهوده، بی‌تدبیری و بی‌ثباتی فراگیر، تصمیم قاطع دارد که به سوی عقلانیت، تصمیمات کارشناسی و ثبات بلندمدت برود. جامعه در دو سال پس از انتخابات ۹۲ همچنان مردد است که بالاخره واقعه ۹۲ نوعی پذیرش از روی ناچاری بوده است یا این که نظام حقیقتاً مسیر تازه‌ای را برگزیده است. پیام‌هایی که در این مدت به جامعه مخابره شده متضاد بوده است و اکنون انتخابات اسفند ۹۴ آزمون بزرگی را رقم خواهد زد و پیام نهایی را به حوزه اقتصاد مخابره خواهد کرد و اقتصاد را از سردرگمی بیرون خواهد آورد. اگر این پیام این باشد که نظام همچنان به سوی افزایش فراگیری و گسترش چتر خویش به روی همه نخبگان، دوری از انحصارگرایی، حاکمیت واقعی رای مردم و گسترش عقلانیت در حرکت است، امیدها افزایش می‌یابد و سپهر اقتصادی با چشم‌انداز روشنی روبه‌رو خواهد شد. اما اگر پیامی که مخابره خواهد شد این باشد که آینده ایران به سوی اقتدارگرایی و بستگی بیشتر و حاکمیت شدیدتر یک جناح و حذف بخش‌های بزرگ‌تری از جامعه به پیش خواهد رفت، پیامش برای سپهر اقتصادی این خواهد بود که تفاهم با خارج و گردش نظام تدبیر در انتخابات ۹۲ یک ضرورت و تاکتیک بوده است و به زودی کشور به همان روندهای سابق باز خواهد گشت. همین یک پیام کافی است تا افق آینده اقتصاد ایران را تیره کند و اقتصاد ایران را به سوی رکودی عمیق‌تر براند. رکودی که اگر شروع شود دست‌کم سه سال آینده را در خواهد نوردید؛ سه ساله که از نظر حساسیت معادل ده سال از سال‌های گذشته است»